



◀ گفتمان مقاومت و گام سوم

«هرچه یک دولتی، یک ملّتی، مسئولینی در مقابل این دشمن عقب‌نشینی کنند، آنها جلو می‌آیند؛ آنها زیاده‌طلبند؛ آنها جز به استکبار و استعمار و سلطه‌ی بر ملّت‌ها به چیزی قانع نیستند؛ هرچه بتوانند جلو می‌آیند؛ باید دیواره‌ی مستحکمی از عزم و توکل و اقتدار ملّی در مقابل آنها به‌وجود آورد.»

این سخنان دقیق و حکیمانه رهبر معظم انقلاب تفسیر و توصیف دقیق ماجرای است که کشور و ملت ایران در مسئله هسته‌ای از سر گذرانند! آمریکایی‌ها که با تحریم‌ها و بردن پرونده کشورمان به شورای امنیت، تمام تلاش خود را برای متوقف کردن پیشرفت کشورمان در دانش هسته‌ای را داشتند، با ورود ایران به باشگاه کشورهای هسته‌ای و دست یافتن به فناوری غنی سازی ۲۰ درصد تغییر روش دادند، رئیس‌جمهور وقت آمریکا که خود به صراحت اعلام می‌کرد آرزویش بازکردن تک به تک پیچ و مهره‌های تاسیسات هسته‌ای ایران است! به رهبر معظم انقلاب نامه نوشت و با به رسمیت شناختن حق هسته‌ای ایران از لزوم مذاکره سخن گفت؛ اما با انعقاد برجام و صرف نظر کردن کشورمان از بسیاری از دستاوردهای هسته‌ای خود بار دیگر شاهد زیاده‌خواهی و طلبکاری‌های کاخ سفید بودیم، آمریکایی‌ها بدون آنکه تعهدات خود در برجام را اجرا کنند به بهانه‌های واهی از برجام نیز خارج و خواستار مذاکره بر سر توان هسته‌ای و حضور منطقه‌ای کشورمان شدند، اروپایی‌ها هم با وجود آنکه مواضع اعلامی‌شان با آمریکا متفاوت بود اما در عمل پا جای پای آمریکا می‌گذاشتند تا اینکه ایران مدارا و صبر را به پایان رساند و سه گام برای کاهش تعهدات برجامی خود طراحی کرد، گام‌هایی که محکم و با قاطعیت برداشته شد و حالا اروپایی‌ها با عقب‌نشینی در برابر کشورمان در صدد تامین نظر ایران بر آمده‌اند، در میان این نکته بسیار با اهمیت است که مسئولان و تصمیم‌گیران در این حوزه مدام در گوشه ذهن خود داشته باشند که عقب‌نشینی، دشمن را گستاخ و پیشروی، دشمن را در موضع ضعف قرار می‌دهد.

◀ پیروزی نهایی نزدیک است

سفر هیئتی از نیروهای «انصارالله» یمن به تهران و این سخنان «محمد عبدالسلام» سخنگوی جنبش انصارالله خطاب به رهبر معظم انقلاب اسلامی که «ما ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام (ص) و ولایت امیرالمومنین (ع) می‌دانیم»، دیدار هیئت بلند پایه‌ای از گروه‌های مقاومت فلسطین به رهبر معظم انقلاب اسلامی و نامه اخیر اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» به ولی امر مسلمین در هفته گذشته که با این جملات به پایان می‌رسد «رویکرد تجدیدنپذیر خود را برای حضور در سنگر مقاومت پایدار در کنار همه‌ی قوای حق و عدالت و آزادگی و پیشران همه‌ی آنها جمهوری اسلامی ایران، تا پیروزی نهایی اعلام می‌کنیم و خدای بزرگ را سپاسگزارم که وجود شما را به ما ارزانی داشت و از او می‌طلبیم که نعمت‌هایش را بر شما عنایت فرموده و بلاهایش را از شما دور بدارد»، پاسخ قاطع حزب الله لبنان به تجاوزات رژیم صهیونیستی به لبنان، مواضع شفاف و روشن دولتمردان لبنان در حمایت از حزب الله، موضع قاطع دولت و مجلس عراق در برابر به حمله صهیونیست‌ها به مواضع نیروهای «حشد الشعبی» در عراق و پیش روی‌های ارتش سوریه و در هم شکستن تروریست‌ها در «خان شیخون» همه و همه حکایت از یک حقیقت دارد و آن عبارت است از قدرت و وحدت در محور مقاومت و شکست سناریو مثلث آمریکایی، صهیونیستی و ارتجاع منطقه‌ای برای تضعیف محور مقاومت؛ اما موقعیت کنونی محور مقاومت فراتر از شکست دادن سناریو مذکور یا پاسخ دادن به تجاوزات رژیم صهیونیستی است. هم افزایی و همراهی که اکنون در منطقه به وجود آمده است از یک سو می‌تواند امید برای غلبه بر استکبار و استبداد و ایستادگی را در ملت‌های منطقه و حتی ملت‌ها و ملت‌ها فراتر از جغرافیای غرب آسیا به وجود آورد، و از سوی دیگر زمینه ساز تحقق آرمان فلسطین و پیروزی نهایی و قطعی مقاومت باشد.

ان شاء الله

◀ بیم‌ها و امیدهای انتخاباتی

زمستان داغ ۱۳۹۸ و انتخابات مجلس یازدهم به سرعت در حال نزدیک شدن است! اخبار جلسات علنی و محفلی جریان‌های سیاسی یکی پس از دیگری در رسانه‌ها منتشر می‌شود! دو جبهه اصلی سپهر سیاسی ایران به دنبال طراحی تاکتیک‌ها و انتخاب تکنیک‌های انتخاباتی هستند، تلاش‌های اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در حالی آغاز شده است که شرایط آنها کاملاً متفاوت است! اصولگرایان با اعتماد به نفسی که در رفتار و اظهارات افراد منسوب به این جریان قابل رصد و مشاهده است، از هم اکنون خود را در آستانه پیروزی می‌بینند تا آنجا که «محمدرضا باهنر» در مصاحبه‌ای اعلام کرده است: «زمینه برای رأی‌آوری اصولگرایان فراهم است.» مسئله‌ای که موجب نگرانی‌هایی در میان حامیان این جریان سیاسی شده است. آنها بر این باورند که این حد از اطمینان به پیروزی در انتخابات پیش رو، موجب حرکت‌های فردی یا ورود گروه‌های کوچک درون جریانی به شکل مستقل به انتخابات شده و مقدمات تقسیم سبد رأی اصولگرایی و در نهایت شکست در انتخابات را فراهم کند. این نگرانی با توجه به اخباری که از رفتار طیف‌های مختلف این جریان به گوش می‌رسد درست به نظر می‌رسد تا آنجا که «حدادعادل» نیز کنایه‌وار بر آن مهر تأیید زده و گفته است: «بعضی برای رضای خدا کاندیدا نشوند.» اما شرایط در طیف اصلاحات کاملاً متفاوت است، اصلاح‌طلبان پس از پیروزی مطلق آخرین انتخابات مجلس و شورا در تهران و بسیاری از کلان‌شهرها بوده و ریاست جمهوری، این بار به واسطه عملکرد بد و نارضایتی مردم از عملکرد دولت و مجلس و شوراها چشم‌انداز روشنی در برابر خود نمی‌بینند و تصمیم‌سازان این جریان می‌دانند، برای پیشی گرفتن از رقیب سیاسی خود در انتخابات پیش رو کار دشواری دارند، شواهد نشان می‌دهد، تصمیم‌سازان جریان اصلاحات به این جمع بندی رسیده اند که احتمال پیروزشان در روزهای پایانی سال ۱۳۹۸ نزدیک به صفر است! مگر آنکه بتوانند با تضعیف شورای نگهبان و دور زدن «نظارت استصوابی و قانونی» این نهاد، چهره‌های رادیکال خود را به میدان آورده و زمین بازی انتخابات را تغییر دهند.

مؤلفه های تحلیل واقع نگر در بیانیه گام دوم پیشرفت های انقلاب اسلامی (۶)

اشاره

بیانیه گام دوم انقلاب، دربردارنده و ارائه کننده تحلیل درست و واقع نگر نسبت به وضعیت و جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه داخلی، منطقه ای و بین المللی است. یکی از مهمترین اولویت های پیش روی تحلیل گران و هادیان سیاسی عبارت از شناخت دقیق و تبیین روش تبیین انقلاب بر مبنای بیانیه گام دوم می باشد. بیان شد که چندین مؤلفه در ساخت این الگوی تحلیلی موثر است. این مؤلفه ها عبارتند از: ۱. پیشرفت ها ۲. ناکامی ها ۳. علل پیش برنده ۴. علل ناکامی ها ۵. نقاط قوت (درونی) ۶. نقاط ضعف (بیرونی). ۷. فرصت ها (ظرفیت ها) ۸. تهدید ها ۹. شناخت روند موقعیت دشمنان ۱۰. شناخت اهداف و آرمان ها

تا کنون در این سلسله یادداشت ها که از آغاز سال ۱۳۹۸ به حضور مخاطبان گرامی تقدیم شد موضوع پیشرفت های نظام و علل و عوامل پیشبرنده در گام اول انقلاب در بخش هایی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت و تلاش شد مبنایی منطقی و استدلالی برای تبیین و پاسخگویی به برخی شبهات ارائه گردد. در این قسمت به دسته بندی و سازماندهی کلان پیشرفت ها و دستاوردها و به تعبیر دقیق نگارنده حکیم بیانیه «خون آورد» های نظام جمهوری اسلامی می پردازیم.

همچنین در یادداشت های پیشرفت های جمهوری اسلامی موضوعات ۱. خودباوری و استقلال به عنوان اساسی ترین زیر بنای پیشرفت ها، ۲. نظام مردم سالاری دینی به عنوان مهمترین بستر پیشرفت های مردم نهاد، ۳. پیشرفت های در عرصه دینداری و معنویت گرایی مورد بررسی قرار گرفت.

اولویت شناسی پیشرفت ها

مهمترین نکته درباره نحوه بررسی پیشرفت ها، دسته بندی و شناخت اولویت ها است. در میان پیشرفت های متعدد، برخی پیشرفت ها دارای اولویت تاریخی - تمدنی است. با توجه به اسلامی بودن انقلاب مردم ایران و مقابله تاریخی و تمدنی نظام سلطه بین المللی با هویت استقلال طلبانه انقلاب اسلامی، مهمترین عرصه پیشرفت نگاری جمهوری اسلامی ایران پیشرفت در عرصه تقابل تمدن غرب و تمدن اسلامی - ایرانی می باشد که به اذعان صریح استراتژیست برجسته آمریکایی - ساموئل هانگیتون - مهمترین و قدرتمندترین تمدن های جهان کنونی هستند. بنابراین سایر پیشرفت ها در برابر این بخش در درجه دوم اهمیت قرار می گیرند.

پیشرفت های تمدنی انقلاب اسلامی

بر اساس شاخص ها و نشانه های عینی و میدانی، انقلاب اسلامی با تغییر موازنه قدرت کشور ما را به یکی از دو قطب اثر گذار قدرت در سطح بین المللی تبدیل کرده است.

نگارنده حکیم بیانیه در نخستین بخش از بیانیه که به تعیین عظمت و جایگاه ویژه انقلاب اسلامی در سطح بین المللی در قیاس با سایر انقلاب ها و نظام های موجود می پردازد، بیان می کند که انقلاب اسلامی در نظام بین المللی متشکل از دو قطب مادی گرای لیبرالیستی - کمونیستی به پیروزی رسید، در فضایی که همه عوامل و منابع قدرت علیه دین و معنویت توحیدی قرار داشت^۱.

^۱ موضع اندیشمندان و سیاستمداران این دو قطب نسبت به دین در یادداشت های قبل بیان گردید

بیانیه چنین می گوید:

«آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد ... و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک تر شدند... پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب های جدید قدرت، تقابل دو گانه ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده ی برجسته ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.»

انقلاب اسلامی جبهه بندی سیاسی جهان را از دو گانه مادی- مادی به قطب بندی جدید مادی- توحیدی تبدیل نمود. بدین ترتیب قطب مادی جهان با دو جناح لیبرال و کمونیست و قطب توحیدی به رهبری جمهوری اسلامی ایران و همراهی ملل آزادی خواه و مبارز شکل گرفت.

در نخستین مواجهه دو قطب جدید، جنگ سخت هشت ساله بین آنها در گرفت. لکن برای نخستین بار و در کمال ناباوری این جنگ تمام عیار و همه جانبه نه تنها به نابودی ج.ا. ایران منجر نشد بلکه پیام و آموزه «شکست ناپذیری جبهه مقاومت» را به ملل مستضعف جهان مخابره نمود.

جناح کمونیست که در ابتدا با شعار ظاهری مقابله با سرمایه داری لیبرال و حمایت از انقلاب های عدالت خواهانه سر برآورده بود در طول دوران جنگ سرد نشان داد که دارای ریشه های مشترک هویتی- منفعتی با سرمایه داری و لیبرالیسم است. این اشتراک منافع در مقاطع مختلفی از جمله هم دستی علیه نهضت جنگل با سرمایه داری و نیز علیه جمهوری اسلامی در جنگ ۸ ساله نظامی خود را آشکار نمود. در واقع کمونیسم پوششی برای مدیریت انقلابیون و مبارزان ضد سرمایه داری جهانی و بود. تا سال ۱۳۵۶ همه مبارزات عدالت خواهانه جهان عمدتاً زیر چتر کمونیسم بود. شوروی در ۱۷ کشور آفریقایی لشکر نظامی داشت. و از مبارزات مارکسیستی دفاع می کرد. اما پس از ورود انقلاب اسلامی به عرصه عدالت طلبی جهان و مبارزه با آمریکا که با تسخیر لانه جاسوسی رخ داد، ایران کانون توجه آزادی خواهان گردید. کشوری جز ساندینیست ها نیکاراگوئه که به شکست انجامید، را سراغ نداریم که در آن مبارزه کمونیستی شکل بگیرد. به عبارت دیگر نسخه بدلی کمونیسم در برابر ظهور نسخه اصیل عدالت طلبی رنگ باخت و پس از گذشت یک دهه از پیروزی انقلاب، یگانه رهبری که در سطح جهان فروپاشی کمونیسم را اعلام نمود رهبر انقلاب ایران بود. بنابراین در کنار سایر عوامل، عامل اصلی فروپاشی شوروی که گاه غربی ها نیز بیان کرده اند، انقلاب اسلامی است.^۲ از این تاریخ به بعد مبارزات عدالت خواهانه زیر پرچم ایمان و معنویت گرایی و عدالت طلبی اسلامی قرار گرفت.

انقلاب اسلامی مبدا احیای هویت های تمدنی

انقلاب اسلامی در فرایند پیشرفت تمدنی خود توانست در پایان دهه اول ظهور سیاسی خود، یکی از دو امپراطوری بزرگ مادی گرای معاصر خودش را به سقوط و زوال بکشانند.

پس از فروپاشی شوروی (سابق) دو نظریه در غرب ظهور یافت؛ نخست، نظریه پایان تاریخ (فوکویاما) که مدعی بود رقابت بین دو مکتب سرمایه داری لیبرال و کمونیسم با فروپاشی شوروی به پایان رسیده و ایدئولوژی برتر (لیبرال دموکراسی) بدون همورد در جهان حکومت می کند و این "پایان تاریخ" است که به ما نزدیک شده است.

^۲ قدرت اثر گذار انقلاب اسلامی در مقیاس جهانی، آیت الله سید مهدی میر باقری

دوم، نظریه برخورد تمدن ها (هانگتینتون)؛ که معتقد بود نه تنها غرب به غلبه مطلق بر سایر هویت ها نرسیده، بلکه اکنون سایر هویت های تمدنی در حال احیا شدن هستند. مطابق دیدگاه وی، هشت تمدن در سطح جهان وجود دارد که بزرگترین آنها «تمدن اسلامی» به رهبری ج.ا.ایران و لیبرال دموکراسی به رهبری آمریکا است. بنابراین وی، آغاز جنگ تمدنی علیه اسلام را تجویز و پیش بینی می کند که این جنگ در سال ۲۰۰۰ م آغاز شود.

این جنگ به منظوری جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی در غرب و بحران بزرگ فروپاشی غرب آغاز شد. بوش پسر در سال ۲۰۰۱ به افغانستان حمله کرد در حالی که شعارش این بود که محور شرارت ایران است.

برنامه جنگی غرب این بود که سال ۲۰۰۳ به عراق و سال ۲۰۰۵ به ایران، حمله و انقلاب اسلامی را در نقطه کانونی آن نابود کند. این طراحی نظام سلطه غربی بود. لکن باید در مقام داوری، میزان موفقیت های دو تمدن درگیر را ارزیابی نمود.

در طول ۱۸ سال درگیری، غرب بخش وسیعی از قدرت نظامی خود را در منطقه متمرکز نمود. گروه های تروریستی را بشدت فعال نمود، قدرت های استعماری همگرایی با غرب را اعم از قرائت خشن سلفی و وهابی و قرائت سازشگرایانه ترکیه و مصر را به میدان آورد و تمام ابزارهای قدرت خویش را به کار گرفت و از هیچ اقدامی فروگذار نکرد. و چنانچه برایش مقدور بود گزینه حمله نظامی یا هسته ای را نیز علیه ایران به کار گیرد، قطعاً چنین می کرد. چه اینکه در آغاز جنگ، ۶۰ نفر از متفکرین لیبرالیسم آمریکایی نامه ای در دفاع از اقدامات وی نوشتند و بیان کردند «این جنگ یک جنگ ایدئولوژیک برای پیروزی و غلبه ایدئولوژی آمریکایی بر سراسر جهان است، در نتیجه به کاربردن هر نوع سلاح جنگی برای گسترش آن کاملاً اخلاقی است.» بنابراین هر اقدامی را که برای این دولت مقدور باشد قطعاً به انجام خواهد رساند.

پیشرفت و نفوذ منطقه ای ج.ا.ایران

اکنون پس از ۱۸ سال از آغاز این جنگ، غلبه اراده و نفوذ منطقه ای ایران بر آمریکا کاملاً آشکار است. این واقعیت میدانی در عراق، لبنان، سوریه، یمن و حتی درون سرزمین های اشغالی فلسطین قابل مشاهده است. رییس جمهور آمریکا صراحتاً از ائتلاف ۷۰۰ میلیارد دلار تنها در سوریه سخن می گوید.

در شرایطی که رییس جمهور آمریکا، سران غربی و حتی پوتین از لزوم تغییر رییس جمهور سوریه سخن می گفتند، ج.ا.ایران توانست اراده خود را که همان حاکمیت اراده مردم سوریه بر سرنوشت خویش است را بر اراده مخالفان غالب نماید. و روسیه را که قدرت بزرگ محسوب می شود، با خود همراه نموده، و با تشکیل ارتش متحد اسلامی از جوانان مبارز ایران، سوریه، لبنان، افغانستان، پاکستان، یمن، فلسطین و سایر ملل مظلوم، جبهه مقاومت را گسترش دهد.

در طول این دو دهه نفوذ منطقه ای آمریکا به شدت کاهش یافته و شکست های پی در پی اتحاد سعودی- اماراتی در برابر یمن نشانه های افول روز افزون آنها است.

تبدیل شدن به ابر قدرت منطقه ای

ایران امروز مصداق بارز ابر قدرت منطقه ای غرب آسیا است. اسقاط پهباد فوق پیشرفته آمریکایی به واسطه موشک فوق سری ای که به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک روسیه توانست با قدرتی فراتر از موشک ها روس این پهباد رادار گریز را ساقط نماید، موجی از احساس ابر قدرتی را در بین امت اسلامی برانگیخت.

رتبه نظامی ایران در سطح جهان

معیار رتبه بندی قدرت های نظامی در جهان شاخص (GFP) global fire power می باشد. که همه ساله در پایگاه اینترنتی www.globalfirepower.com آورده می شود.

در این پایگاه رتبه بندی کشور ها، شاخص هایی از قبیل تسلیحاتی که در اختیار دارند، تنوع تسلیحاتی، نیروهای نظامی، موقعیت جغرافیایی، ظرفیت تدارکات، منابع طبیعی در دسترس و شرایط صنایع نظامی بومی این کشورها در نظر گرفته می شود. رتبه بندی کشورهای جهان از نظر قدرت نظامی نشان می دهد جایگاه ایران بدون در نظر گرفتن امکانات و تجهیزات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از بین ۱۸۳ کشور، رتبه سیزدهم می باشد.

رتبه ایران؛ از منظر شاخص قدرت جهانی (ابرقدرت)

این شاخص را از منظر ۲ موسسه تحقیقاتی آمریکایی مورد بررسی قرار می دهیم.

۱- موسسه هادسون Hudson؛ اندیشکده تحقیقاتی در پیگیری تحصیل رفتارها و سیاست های قدرت های بزرگ جهانی که در سال ۱۹۶۱ تاسیس شده است.

۲- عوامل موثر در رتبه بندی هادسون عبارتند از: ۱. متحدین بین المللی ۲. وضعیت اقتصادی ۳. نفوذ سیاسی

بر اساس رتبه بندی هادسون، ج.ا.ایران هفتمین قدرت جهانی بعد از آمریکا، چین، ژاپن، آلمان، روسیه و هند قرار دارد.

۳- موسسه u.s.news؛ رتبه بندی این موسسه براساس میانگین امتیازات از ۵ ویژگی صورت می گیرد: ۱. رهبری ۲. نفوذ

اقتصادی موثر ۳. نفوذ سیاسی ۴. اتحاد بین المللی ۵. نیروی نظامی قوی

در این رتبه بندی ایران رتبه سیزدهم را پس از آمریکا، روسیه، چین، آلمان، انگلیس، فرانسه و ... دارد.